نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۱

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۳ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

ادامه کم توجهی به نیروهای استان بوشهر

بازهم از بوشهر کسی به وزارت نرسید

در آستانه دولت جدید،

هزار آرزوی بر زمین مانده داریم



بایدها و نبایدهای گردشگری پیش‌روی دولت چهاردهم

طارمی می‌خواهد دِین خود را به فوتبال بوشهر ادا کند

آیین تجلیل از خبرنگاران در بوشهر برگزار شد

آیین تجلیل از خبرنگاران با مشارکت استانداری بوشهر، خانه مطبوعات استان، شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد، شورای راهبردی پتروشیمی‌های مستقر در پارس و پتروشیمی پارس در بوشهر برگزار شد. به گزارش خبرنگار ایرنا، در بخش‌هایی از این همایش از پیشکسوتان عرصه رسانه و همچنین نمایندگان رسانه‌های مختلف تجلیل شد. در این همایش بزرگداشت روز خبرنگار یاد و خاطره خبرنگاران فقید هم استان از جمله علی پیرمرادی، اسماعیل حاجیانی، نامجو زحمتکش و حسین دهقان گرامی داشته شد.

همچنین شماری از فعالان خبری استان شامل مهرداد جشنی پور، علی دانشمند و وحید امیر در خصوص فعالیت خبرنگاری و راهکارهای مورد نیاز پویایی فعالیت‌های این عرصه صحبت‌هایی ارائه کردند.

معاون سیاسی استاندار بوشهر در این آیین گفت: در خصوص پس گرفتن شکایت برخی از دستگاه‌های اجرایی استان از خبرنگاران نیز استانداری بوشهر آماده هرگونه مساعدت و همکاری است.

مدیر خانه مطبوعات کشور اظهار کرد: یکی از خطوط قرمز وزارت فرهنگ و ارشاد در حمایت از خبرنگاران بحث بیمه کارکنان است که به امنیت شغلی کارکنان منجر شده است.

مازیار هوشمند بیان کرد: برای ٦ ماه آینده چهار دوره آموزشی و پنج کارگاه آموزشی برای خبرنگاران توسط خانه مطبوعات برنامه‌ریزی شده است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر نیز در این همایش گفت: در دولت سیزدهم بیش از ۴۱۰ میلیارد ریال آگهی دولتی به روزنامه ها، هفته نامه ها و مطبوعات استان بوشهر تخصیص پیدا کرد.

رئیس کل دادگستری بوشهر:

شهردار و ۳ کارمند شهرداری گناوه بازداشت شدند

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: شهردار و سه کارمند شهرداری گناوه به دلیل دریافت رشوه بازداشت شده اند.

«مهدی مهرانگیز» در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: موضوع دستگیری شهردار و سه نفر از کارمندان شهرداری گناوه که یکی از آنها بازنشسته بوده به دنبال تخلفاتی انجام شده است.

وی افزود: این افراد متهم به دریافت رشوه هستند. رئیس کل دادگستری استان بوشهر بدون اشاره به میزان رشوه دریافتی تصریح کرد: دستگیری این افراد به دنبال دریافت گزارشاتی مبنی بر رشوه خواری بوده که با رصد اطلاعاتی و اقدام قاطع دستگاه قضا و مجموعه امنیتی استان انجام شده است. دستور بازداشت یک نفر مرتبط با این پرونده که خارج از استان به سر می برد نیز صادر شده است.

وی تاکید کرد: موقعیت و وضعیت شغلی افراد نباید زمینه‌ساز ارتکاب هر گونه فعل مجرمانه ای شود و مجموعه قضایی استان نیز چنین رویکردهایی را تحمل نخواهد کرد و مطابق قانون با سواستفاده کنندگان برخورد می کند.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر بیان کرد: بررسی تکمیلی زوایای پرونده تخلف شهردار و تنی چند از کارکنان شهرداری بندر گناوه که امروز دستگیر شده‌اند در حال انجام است و انتظار می رود که رسانه ها و افراد در شبکه های اجتماعی از هرگونه ظن و گمانه زنی پرهیز کنند.

جیره بندی آب در بوشهر

دو سال از وعده پایان جیره‌بندی آب در شهر بوشهر گذشت ولی نه تنها پایان نیافت بلکه توزیع آب از هر ۴۸ ساعت ۸ ساعت به هر ۴۸ ساعت دو ساعت تقلیل یافت!

سال‌هاست معضل جیره‌بندی آب در مرکز استان بوشهر که تنها مرکزی در کشور می‌باشد که در آن جیره‌بندی صورت می‌گیرد وجود دارد و طی این سال‌ها وعده ها و شعارهای زیادی داده شد که متاسفانه هیچ کدام به دلایلی عملی نشد.

از سال ۱۴۰۰ اعضا و رئیس شورای شهر بوشهر مرتب این وعده را به شهروندان دادند که بزودی جیره‌بندی آب در شهر بوشهر پایان می‌دادند و هیچ اتفاقی نمی افتاد.

سال ۱۴۰۱ در سفر رئیس جمهور شهید به استان بوشهر ایشان در جمع مردم بوشهر رسما اعلام نمودند که از امروز پایان جیره‌بندی آب در شهر بوشهر اعلام می کنیم.

این خبر موجب خوشحالی شهروندان شد ولی حقیقت ماجرا چیز دیگری بود و در واقع شعاری بیش نبود زیرا نه تنها جیره‌بندی آب به پایان نرسید بلکه این روزها شاهد هستیم که هر دو روز دو ساعت آب در شهر توزیع می شود و برخی که نزدیک به خطوط اصلی هستند قدری بیشتر از معاون عمرانی استاندار گرفته تا مدیرعامل آب و فاضلاب استان و رییس شورای شهر بوشهر که الحمدالله این مدت از این ستاد به آن ستاد می‌رفتند و شورای شهر را جولانگاه ستاد انتخاباتی کرده بودند پاسخگو نیستند و گاها توجیهات غیرمقبولی ارائه می‌دهند.

از نهادهای نظارتی تقاضا داریم با عوامل کوتاهی نسبت به وعده عمومی و رسمی رییس جمهور شهید برخورد قاطعانه‌ای داشته باشند تا در این روزهای گرم در کنار خلیج‌فارس مردم شهر بوشهر تشنه نمانند./ایران‌دید

احداث بیمارستان ۱۱۰ تختخوابی در شهر جدید چاه مبارک عسلویه

مجری شهر جدید چاه مبارک استان بوشهر گفت: فاز نخست بیمارستان ۱۱۰ تختخوابی شهرستان عسلویه با یک هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال اعتبار در شهر جدید چاه مبارک در هفته دولت آغاز می‌شود.

به گزارش خبرنگار ایرنا، جهانبخش تل‌اشکی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: با هدف فراهم‌سازی مقدمات احداث بیمارستان ۱۱۰ تختخوابی چاه مبارک، نمایندگان سازمان مجری طرح‌های عمرانی وزارت راه و شهرسازی، اداره کل راه و شهرسازی استان و شهرستان، شرکت عمران شهر جدید عالیشهر، بخشداری، شورا و شهرداری شهر جدید چاه مبارک، مشاور طرح و پیمانکار پروژه از مکان تعیین شده بازدید و در نشستی مسائل مرتبط با این بیمارستان را بررسی کردند.

مجری شهری جدید چاه مبارک تصریح کرد: با پیگیری‌های مستمر شرکت عمران عالیشهر و همکاری کلیه مسئولان استانی، عملیات اجرایی بیمارستان چاه مبارک به عنوان یکی از مصوبه‌های دولت دوازدهم و پیگیری های ویژه جهت تامین اعتبار و انتخاب پیمانکار در دولت سیزدهم در نخستین روزهای فعالیت دولت چهاردهم آغاز خواهد شد.

مدیر رشوه‌بگیر در صنایع پتروشیمی استان بوشهر دستگیر شد



رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر گفت: مدیری که با دریافت رشوه‌های کلان مانع از تجهیز و نوسازی صنایع پتروشیمی در جنوب استان شده بود، شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش ایرنا؛ «مهدی مهرانگیز» در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: در جریان سفر رئیس قوه قضاییه به استان بوشهر در بهمن ماه سال گذشته، تقلیل و رفع آلودگی هوای ناشی از آلایندگی شرکت‌های پتروشیمی در مناطق عسلویه، کنگان و جم به تصویب رسید.

وی افزود: رئیس قوه قضاییه خطاب به دادگستری استان بوشهر دستور ورود به بحث کاهش آلایندگی صنایع را صادر و در قالب مصوبه ای ابلاغ کرد.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر تصریح کرد: برای اجرایی شدن این مصوبه جلساتی با مدیران صنایع برگزار و وظایف مشخص گردید اما پس از مدتی مشخص شد که اقدام خاصی از سوی این صنایع برای کاهش آلایندگی انجام نشده است.

مهرانگیز ادامه داد: بنا بر تحقیقات انجام شده شرکت‌هایی که در زمینه تأمین قطعات جدید برای کاهش آلایندگی به صورت پیمانکار برای شرکت گاز کار می‌کنند، ارتباطات نامتعارفی با مدیر اقتصادی این شرکت در عسلویه ایجاد کرده بودند.

وی ادامه داد: در این خصوص پرونده‌ای تشکیل و به نهادهای اطلاعاتی در استان ارسال و تحقیقات جامع و دقیقی در این زمینه انجام شد.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر عنوان کرد: با انجام تحقیقات، مشخص شد شرکت‌های پیمانکار مبلغ هنگفتی به مدیر اقتصادی شرکت گاز در عسلویه رشوه پرداخت کرده که همین موضوع مانع از خرید تجهیزات جدید و نوسازی صنایع می‌شد؛ به همین دلیل تغییر محسوسی در کاهش آلایندگی صنایع در منطقه مشاهده نمی شد.

وی گفت: با ورود دادگستری استان و تشکیل پرونده، فردِ رشوه‌گیر دستگیر و به اغلب موارد اتهامی اعتراف کرده است.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر بیان کرد: این مدیر با وجوه دریافتی از طریق رشوه اقدام به خرید ملک در کشورهای دیگر کرده است.

مسمومیت ۱۵۷ نفر از کارکنان در پارس جنوبی

رییس HSE و پدافند غیرعامل و مدیریت بحران ارشد منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس درمورد مراجعه تعداد ۱۵۷ نفر از کارکنان شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ باختر به بیمارستان عسلویه مطالبی را عنوان کرد.

به گزارش نفت نما، مهرزاد غیبی گفت: به دلیل حساسیت موضوع، کارشناسان بهداشت مدیریت HSE سازمان منطقه ویژه، روزهای پنج شنبه و شنبه، ۱۸ و ۲۰ مردادماه ۱۴۰۳، با مراجعه حضوری به محل پتروشیمی کاویان و بیمارستان نبی اکرم(ص) عسلویه و همچنین پیگیری‌های لازم از طریق شبکه بهداشت شهرستان، جنبه های مختلف موضوع را بررسی کردند.

وی در گفتگو با نفت نما افزود: با بررسی های بعمل آمده مشخص شد از ساعت هشت صبح روز چهارشنبه، هفدهم تا ۱۲ ظهر روز پنج شنبه، ۱۸ مردادماه تعداد ۱۵۷ نفر به بیمارستان نبی اکرم(ص) عسلویه و درمانگاه ابن سینا منطقه ویژه با علائم مسمومیت مراجعه کرده که همگی درمان شدند.

غیبی با بیان این که تا روز شنبه، ۲۰ مردادماه ۱۴۰۳ نیز تعدادی مراجعه کننده به این بیمارستان و سایر بیمارستان های منطقه وجود داشت، افزود: در این مدت تعدادی از نفرات نیز توسط پزشک درمانگاه پتروشیمی کاویان به صورت سرپایی مداوا شدند.

وی با بیان این که هنوز آمار مراجعین اولیه و ثانویه توسط شبکه بهداشت نهایی نشده است، درمورد مراجعه‌کنندگان به بیمارستان‌ها گفت: مراجعه‌کنندگان به بیمارستان ها از شرکت‌های هلدینگ باختر (پتروشیمی کاویان، آرین متانول، رایان پلیمر پویا) و شرکت عمران جنوب و شرکت سینا صنعت (پیمانکار پتروشیمی کاویان) بوده اند.

غیبی همچنین صحتِ خبر فوت یک نفر ناشی از مسمومیت در بیمارستان کازرون در فضای مجازی را منوط به بررسی بیشتر از طریق پزشکی قانونی آن شهرستان عنوان کرد.

وی با اشاره به فاصله سرو غذا و آغاز علائم و مراجعه به درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، ابراز داشت: تعیین علت بروز مسمومیت گسترده پس از اعلام نتایج آزمایشات نمونه‌های اخذ شده به وسیله کارشناسان شبکه بهداشت و آزمایشگاه مواد غذایی بوشهر، توسط شبکه بهداشت اعلام و در صورت قصور با خاطیان امر برخورد قانونی خواهد شد.

فوت یک نیروی پیمانکاری در پالایشگاه اول مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه

این دومین فوتی در دو ماه گذشته در مجتمع گاز پارس جنوبی است

یکی از تکنسین‌های بازرسی فنی پالایشگاه اول مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه بنام محمد سعید صفائی فرد ۴۹ ساله ساکن شیراز از نیروهای پیمانکاری حین انجام کار در قسمت دودکش دیگ بخار دچار گرما زدگی و کاهش سطح هوشیاری می شود که توسط آمبولانس شرکت به بیمارستان عسلویه منتقل می شود.

متاسفانه علی رغم تلاش کادر درمان بیمارستان نبی اکرم وی فوت می کند که صبح امروز جهت علت به پزشکی قانونی منتقل می شود.

ماه گذشته هم یکی از کارگران تعمیرات اساسی پالایشگاه هشتم مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه در ردیف گازی شماره ۲ پالایشگاه دچار حادثه و فوت می کند./عسلویه آنلاین

در آستانه دولت جدید،

هزار آرزوی بر زمین مانده داریم

سجاد بهزادی



روز خبرنگار است. ما هستیم و هزار آرزوی بر زمین مانده. اندوه و رنج‌های فراوانی را روایت کردیم، اما کمتر کسی به پای درددل‌های ما نشست. از اساس نمی‌دانیم که به عنوان یک رسانه، چقدر در نگاه حکمرانان حرمت داریم، اگر چه آمارها روشن است.

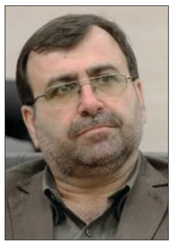
سازمان گزارشگران بدون مرز در جدیدترین گزارش خود در مورد میزان آزادی رسانه‌ها در دنیا آمار نگران کننده‌ای ارائه داده است. در رده‌بندی منتشره این سازمان، نروژ جایگاه اول خود را حفظ کرد. در میان ۱۸۰ کشور، جایگاه ایران ۱۷۶ اعلام شده است. افغانستان نیز با ۲۶ پله سقوط در رتبه ۱۷۸ جای گرفته است. کشورهای اریتره، سوریه، افغانستان، کره شمالی و ایران ۵ کشور پایینی این جدول هستند.

اما ما بی خیال این آمارها و محدودیت های شدید؛ همچنان می‌خواهیم گام‌های‌مان استوار بماند و تاریکی‌ها را روایت کنیم تا شاید نوری بر آن‌ها بتابد. مگر لذت بخش‌تر از روشنایی هم در این گیتی وجود دارد؟ اما روشنایی، دشمنان فراوانی هم دارد. ما بی خیال وضعیت محدودکننده ایران امروز، لحظات فراوانی را ماندگار کردیم وگذاشتیم تا آیندگان قضاوت کنند. بارها به بن بست خوردیم اما از سختی ها تا جایی که آزادی نوشتن بود، عبور کردیم.

حالا در آستانه دولت جدید، هزار آرزوی بر زمین مانده داریم. امید داریم در فردای این دولت، یکی از هزار به سرانجام برسد. نه تنها برای جامعه خبرنگاری؛ برای جامعه ایران که سزاوار روزهای بی‌اندوهی هستند که ما خبرنگاران روایت گر آن باشیم.

زندگی جاری است!

دکتر عبدالرسول عمادی



انتخابات غیر مترقبه ریاست جمهوری چهاردهم و تغییر ریل نظام اجرایی کشور قطار هویت حقوقی بسیاری از گروه‌ها و افراد را از ریل خود خارج کرده و آن‌ها را بحران‌زده کرده است.

بحرانزدگان دو دسته‌اند.

یک: برخی از مدیران دولت قبل که با آمدن دولت جدید احساس خطر کرده و نگران جایگاه آینده خویش در دستگاه دولت شده اند و طبیعتا در تلاش برای حفظ موقعیت هستند و دستاویزی در دولت جدید می جویند که خود دو دسته اند.

الف: آن‌ها که به اعتبار ارتباطی که با برخی متنفذین اصول‌گرا دارند لابی‌های خود را فعال کرده اند و در سکوت و آرامش حاشیه‌های امن‌خود را افزایش می‌دهند و به حفظ یا حتی ارتقای جایگاه خود می اندیشند.

ب: آن‌ها که خود را هم راه و هم رأی دولت جدید می‌نمایانند و فورا خط عوض کرده‌اند و یا خود را نفوذی گفتمان دولت جدید در دولت قبل معرفی می کنند و ممکن است واقعا هم به آقای پزشکیان رأی داده باشند و انتظار عزل و تنزل خود را ندارند.

دو: آنان که در دولت قبل جایگاهی نداشته و یا معزول بوده اند و برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید تلاش هم کرده اند که این ها هم دو دسته هستند.

الف: آنان که علنا و رسما به دنبال کسب موقعیت در دستگاه اجرایی هستند و از گفتن این که ما برای کسب موقعیت در انتخابات وارد شده‌ایم ابایی ندارند و می گویند اگر این پست ها حق ما نیست پس باید به چه کسانی برسد؟ آن‌ها صلاحیت‌های لازم را هم دارند یا تصور می کنند که دارند و لذا با صراحت و بدون پرده‌پوشی سهم خود را طلب می کنند.

ب: آنان که با دست پس می‌زنند و با پا پیش می‌کشند. سهم‌خواهی را تقبیح می‌کنند و معتقدند نباید دولت را تحت فشار قرار دهند ولی ته دلشان جایگاهی هم برای خود در دولت جدید قائل هستند هر چند به زبان نمی‌آورند.

اینان می‌گویند اگر ما سهم‌خواهی نمی‌کنیم ولی دولت که باید سهم ما را یادش باشد وکنار بگذارد.

هر چهار طیف یاد شده ممکن است در نهایت به خواسته خود نرسند یعنی دو دسته اول معزول شوند و دو دسته دوم هم‌منصوب نشوند!

توصیه‌ای که باید به هر چهار دسته کرد این است که دنیا عرصه ممکنات است و کارها همیشه مطابق خواست ما آدم‌ها وطراحی و برنامه‌ریزی ما پیش نمی‌رود.

این درست است که آن‌ها می‌کوشند یا تصور می‌کنند اما وصال یار دولتی به کوشش یا تصور ما نیست وای بسا که زمانی که اتوبوس دولت جدید پر و آماده حرکت شود این چهار گروه در بیرون اتوبوس ایستاده و شاهد دور شدنش باشند.

از الان خود را آماده دست‌تکان دادن برای مسافران نهایی کنند و آرام و با گام هایی محکم راه خود را پیش گیرند و زندگی را جایی دور از انتظارات یا تصورات قبلی ادامه دهند.

زندگی جاری است.

زندگی آگاهانه

تفاوت تلاش و زور زدن

حسین زیرراهی–مدرس مهارت‌های توسعه فردی



برای اغلب ما پیش آمده است یا از اطرافیان شنیده‌ایم که هرچه در زمینه‌ای تلاش می‌کنیم نتیجه ملموسی بدست نمی‌آوریم یا از حد خاصی بالاتر نمی‌رویم. ممکن است آن‌را با شانس و اقبال یا طلسم و جادو یا غیر ممکن بودن آن کار ربط دهیم ولی در همه این موارد دلیل علمی و اصلی عدم نتیجه‌گیری مفقود است.

فرق تلاش و زور زدن. آدم‌های زیادی دور و بر خود می‌شناسیم که فعالیتی را شروع کرده و در مدتی کوتاه چندین برابر میزان مورد نیاز تلاش کرده و چون به نتیجه نرسیده‌اند آن‌را با کلی ضرر و زیان و حتی آسیب‌هایی به سلامت و روابط، خود کنار گذاشته و سراغ زمینه دیگری رفته‌اند. کسانی که فکر می‌کنند با تلاش زیاد یا همان زور زدن در کوتاه مدت می‌توانند نتایج بزرگ بگیرند دو چیز را خوب نشناخته‌اند.

نخست این‌که از ساز و کار مغز انسان آن‌چنان خبر ندارند. مغز ما در یادگیری دانش جدید، درونی کردن آن و تحلیل اطلاعات وارده برای بدست آوردن نتایج ارزشمند تقریبا کند عمل می‌کند و پله‌پله جلو می‌رود. مگر این‌که تجربیات عملی زیاد همراه با تیزحسی هضم تجربه دیگران و آموزش همراه باشد که آن هم از یک حدی کمتر قابل فشرده‌سازی در تابع زمان نخواهد بود. برای همین می‌گویند در هر کاری حداقل سه تا پنج سال لازم است تا به درجه‌ای از تخصص برسیم. همین موضوع برای ساخت عادت‌ها هم صادق است. برخی عادت‌ها ممکن است شش ماه تا یک سال طول بکشد تا به‌صورت خودکار درآید. ضمن این‌که اگر بیش از حد تحمل مغز و بدن خود از آن‌ها کار بکشیم مغز تسلیم شده و بعد از مدتی دست از تلاش برمی‌دارد.

دنیا هم با تغییرات تدریجی سازگار است. تغییرات فصول، تغییرات اقلیمی، تغییرات در حیات و موجودات زنده و ... همه در سیری آرام رخ می‌دهد. بنابراین شما اگر بخواهید مثلا صدهزار فالوور در اینستاگرام داشته باشید، لازم است هر کدام از این افراد حداقل ده بار شما را دیده باشند تا متقاعد شوند دکمه فالو را بزنند. یا مغازه‌ای که کار و بارش سکه است احتمالا سال‌ها طول کشیده تا در زبان مردم آن شهر افتاده است. حتی اگر با تبلیغ، تخفیف و عوامل مختلف دیگر رونق گرفته باشد لازم است برای نگهداشتن آن سال‌ها خدمت‌دهی مداوم داشته باشد. همین موضوع در کار اداری هم وجود دارد. برای رسیدن به جایگاهی رفیع باید سالها مستمر کار کرد.

خلاصه اینکه رشد در کار هم مانند رشد در زندگی فرایندی تدریجی است.

گاهی هم تلاش آگاهانه نیست. تلاش آگاهانه تلاشی است که همواره مقداری چالش و پیچیدگی در آن وجود داشته باشد. ضمن این‌که در برخورد با موانع درجا نزند و با عیب یابی و اصلاح از موانع عبور کند.

زمانی هم عیب کار از درون خود ما نشات می‌گیرد. ممکن است آن زمینه کاری به عاملی نیاز داشته باشد که در ما پایین است. مثلا به مقداری قدرت ریسک‌پذیری یا برعکس محافظه‌کاری نیاز دارد که ما نداریم. اگر به این موارد آگاهی داشته باشیم می‌توانیم تصمیم بگیریم خود را تغییر دهیم، به همان سطح راضی باشیم یا در زمینه دیگری تلاش کنیم.

دموکراسی در تصدی مسئولیت

عبدالحمید نوردی – دکترای مدیریت دولتی،مدرس دانشگاه ، محقق و نویسنده



در دوران اصلاحات به ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، برای اولین بار دستورالعملی به استانداری‌های سراسر کشور ابلاغ شد.

محور اصلی این دستورالعمل تصدی مسئولیت‌های استانی بود که آن را به شورای برنامه‌ریزی هر استانی محول کرده بودند و در واقع مقرر شده بود جهت تعیین مدیر برای هر سازمان و اداره‌ای، افرادی نامزد شوند و با ارائه رزومه و شرح حال خود، آن شورا را برای تصمیم گیری هدایت می کردند.

اگرچه این دستورالعمل می‌توانست دموکراسی را در اخذ مسئولیت ها و پست‌های استانی اعمال کند و افراد شایسته و مجرب و توانمند، در طراز هر مسئولیتی به سمتی گمارده شوند و لیکن متاسفانه این دستورالعمل به دلایلی عملیاتی نشد!

حال آن‌که در کشوری مانند انگلیس در سنوات گذشته تا در حال حاضر، احراز مسئولیت‌ها براساس تجربه و توانمندی و دانش انجام می‌شود و این مهم هم از نظر علمی و هم اخلاقی، روش و سبک بسیار مطلوبی است.

در روش انتخاب اصلح، هر فردی برای پست‌های مدیریتی صرفا، از افراد آن تشکیلات برگزیده می‌شوند، به‌طوری که فرد در ابتدای استخدام، کارش را از بایگانی آن سازمان شروع می کند تا با کلیات امور محوله در آن سازمان آشنا شود و بر اساس امتیازهای لازم و گذراندن دوره ها و کسب تجارب و ... گام به گام، ارتقاء سازمانی پیدا کند...!

جهت تقویت و تحکیم تشکیلات دولتی در وزارت خانه‌ها، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و سازمان‌های دولتی در ایران، چنان‌چه این دستورالعمل را مبنای خود قرار بدهند، افرادی بر اساس تخصص، تعهد، تجربه، دانش و مردم داری و شجاعت در قالب خردورزی و زمان در حکمرانی، انتخاب می شوند؛ و مهمتر آن که مدیرپروری نیز انجام می‌شد. قرآن کریم در جایی به جایگاه تشکیلات در زمان حضرت موسی(ع)پرداخته است و ویژگی‌های یک وزیر و مدیر نیز، در خصوص هارون، برادر حضرت موسی(ع) عنوان می‌شود و در جایی دیگر قرآن در آیاتی به ویژگی های حضرت (ع)به عنوان جانشین پیامبر(ص) می‌پردازد و این در واقع مدیرپروری عالی در بیان قرآن است که متاسفانه در نظام جمهوری اسلامی تاکنون به‌طور واقعی عملیاتی نشده است! و در صورت استفاده از سبک‌های مدیریتی و شیوه‌های به روز، به جای مدیریت سنتی، دست افرادی که در صدد منافع باندی و جناحی، برای رسیدن به رانت خواری و مفاسد و سوءمدیریت و اختلاس و زمین‌خواری و... بودند، کوتاه می شد.



متاسفانه این سوء مدیریت هاست، که بعضا مردم را دلسرد کرده است و چنان‌چه می بینیم در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، ۶۰ درصد از مردم شرکت نکردند که در یکی از بیانات رهبر معظم انقلاب نیز، اشاره شد...! و آن، حاصل این مدیریت‌های جناحی، ارتباطاتی، ستادی و سنتی است...!

امید در دولت چهاردهم که تاکنون مورد حمایت مقام معظم رهبری هم قرار گرفتند، با انتخاب مدیران پاک‌دست، متخصص، مردمی، جهادی و متعهد، چالش‌ها و مشکلات مردم و جوانان مرتفع و رضایت خداوند و خلق خدا محقق شود.



بایدها و نبایدهای گردشگری پیش‌روی دولت چهاردهم

رویکردهای نوین فرهنگی در جامعهٔ ایرانی، نیازمند بازتعریف، آگاهی‌بخشی، تبیین و اجرای دقیق و بااحتیاط آن است

حسین مظفری - پژوهشگر حوزه گردشگری و مدرس دانشگاه

نگاه به صنعت گردشگری در کشور ما تاکنون بیشتر شبیه به یک عروسک در دست دخترکی بازیگوش بوده است؛ شیئی زیبا که هرگاه دخترک گریه کرد، بدهیم دستش تا اشک‌هایش بند بیاید؛ برای جامعه‌ای که هتل‌هایش، موزه‌هایش و حتی بسیاری از رستوران‌هایش به ضرب سیلی صورت خودشان را سرخ نگه داشته‌اند و روزبه‌روز هزینه‌های‌شان به جایی می‌رسد که تصمیم به تغییر کاربری گرفته یا نهایتاً تعدیل‌نیرو، استفاده از واژهٔ صنعت کمی اغراق و چیزی شبیه به مضحکه به نظر می‌رسد. دولت روحانی در آغاز فعالیتش در سال ۹۲، به‌دلیل رشد بی‌حدوحصرِ تورم در دولت قبل، ناگزیر به مهار بود و عملاً اغلب کسب‌وکارها مانند کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری، یک توقف ناخواسته را تا سال‌ها تجربه کردند. البته که در ادامه رشدی اندک صورت پذیرفت، اما به نسبت ظرفیت‌های کلان کشور در حوزه‌های گردشگری فرهنگی و طبیعی ناچیز بود. دولت سیزدهم هم در طول سه سال فعالیتش در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، آبِ پاکی را روی دست گردشگری ریخت و عملاً صنعت سفر، گردشگری و هتل‌داری را به محاقی عمیق فرو برد. حال روی سخن با دولت چهاردهم است که میراث‌دار دولتی است که از هر حیث تلاشی جهادی و شبانه‌روزی را می‌طلبد که سرمایهٔ اجتماعی ازدست‌رفتهٔ کشور را مجدد به دست آورده و شالوده‌ای نوین را بنا گذارد. «مسعود پزشکیان» به‌واسطهٔ سال‌ها حضور در مجلس در قامت نماینده، با رویکردی ساختاریافته و قانون‌گرا، دولت چهاردهم را بنا می‌گذارد و ادعا دارد که کار را بایستی به کاردان سپرد. این نکته بسیار حائز اهمیت است که رئیس‌جمهور با نگاهی کارشناسی به امور بنگرد، ولی مسئلهٔ بزرگ، فقدان نیروی زبده و مهم‌تر از آن نیرویی ساختارمند است. در کشور ما کار تیمی و ساختاری از صدر تا ذیل معنا و مفهومی ندارد، چه رسد که کار، دولتی هم باشد و این کار را بسیار پیچیده می‌کند. حضور شخصی مثل پزشکیان که دست دوستی به‌سمت طیف‌های مختلف دراز کرده، روزنهٔ امیدی است به یک آغاز؛ یک آغازی که شایسته‌سالار است و نگاهی تشکلی و حزبی به دولت ندارد. در ادامه به ۱۰ حوزهٔ استراتژیک و بنیادین در ارتباط با صنعت گردشگری کشور اشاره می‌کنم.

اصلاح سیاست‌های داخلی

گام نخست همگرایی و همسویی است. تلاش بر این است که برای دستیابی به جایگاه اصلی و واقعی منافع ملی، همه بپذیریم که باید تلاشی همسو داشته باشیم و گروه‌ها یا جناح‌ها، چوب لای چرخ نباشند. بپذیریم که همگی در یک کشتی نشسته‌ایم و نقطه اشتراک‌مان توسعه و نام ایران باشد، فارغ از نگاه‌های شخصی یا گروهی. بافت سیاسی و اجتماعی درحال‌حاضر نیازمند یک اصلاح اساسی است؛ به‌دست‌آوردن دل نیمی از جامعه که از سیستم دلخور است و به‌نوعی آمال و آرزوهای خود را در روند اتخاذ شده نمی‌بیند؛ باید با چشمان خود ببیند که سیستم او و خواسته‌هایش را دیده، شنیده و به رسمیت می‌شناسد. سیاست‌های حوزهٔ گردشگری داخلی نیز نیازمند تزریق امید بر پایه‌های ملموس سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که باانرژی و نشاط بتواند در مسیر درست گام بردارد.

تعریف ساختار فرهنگی

ساختار فرهنگی در جامعهٔ ایران، یک ساختار چندپاره دارد. سنتی‌ها، مذهبی‌ها، انقلابی‌ها، نسلZ، نواندیشان، تکنوکرات‌ها و... اجماع این تفکرات به‌لحاظ فرهنگی کاری بس دشوار است و جاانداختن بسیاری از مسائل مانند رویکردهای نوین فرهنگی در جامعهٔ ایرانی، نیازمند بازتعریف، آگاهی‌بخشی، تبیین و اجرای دقیق و بااحتیاط آن است. گردشگری نیز نوعی مؤلفهٔ فرهنگی است که نیاز به تعریفی جامع دارد.

پذیرش جامعه ایرانی نسبت به این صنعت همچنان در هاله‌ای از ابهام است؛ برخی آن را نوعی تجددخواهی می‌دانند، برخی آن را پیشران فرهنگی و اقتصادی می‌دانند، برخی آن را باعث ولنگاری جامعه می‌دانند و به همین دلایل و بسیاری موارد دیگر، این صنعت عظیم در کشور ما حالتی چون شترگاوپلنگ به خود گرفته و هیچ‌کس او را به رسمیت نمی‌شناسد و به نوعی او را گردن نمی‌گیرد. ساختار فرهنگی نوین با تعریف کدهای رفتاری اصولی در صنعت مهمان‌نوازی در جغرافیای مقصد باعث ایجاد روابط انسانی عمیق و وفادار می‌گردد. الگوگیری از کشورهای مسلمان‌نشین که توسعهٔ فرهنگی و در ادامه صنعت گردشگری را تجربه کرده‌اند، می‌تواند راهگشا باشد.

توسعهٔ اجتماع از طریق گردشگری

رشد گردشگری تأثیرات روبه‌رشد بسیاری را در حوزه‌های اجتماعی در بسیاری از کشورها گذارده است. در کشور ما نیز این تأثیرات بیشتر در شهرهای مسیر کلاسیک گردشگری مانند اصفهان و شیراز و بسیاری از روستاهایی که در سال‌های اخیر توسعهٔ گردشگری را در خود تجربه کرده‌اند، به‌وضوح دیده می‌شود. اجتماع بازخوردهای خود را دربارهٔ گردشگری با روی باز نشان داده است و روزبه‌روز داشته‌های خود را باتوجه‌به دسترسی به فضای مجازی عرضه می‌کند. چه بسیار شهرها و روستاها که تا چند سال پیش شناخته شده نبودند؛ اما باتوجه‌به رویکردهایی که در حوزهٔ صنایع‌دستی و گردشگری اتخاذ کردند، حضور گردشگران را در دل خود دارند و به نوعی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی خود را رقم زده‌اند.

برنامه‌ریزی راهبردی توسعهٔ گردشگری کشور

با کسب تجربه‌های گرانبها در قرون گذشته و توسعهٔ علم و نظریه‌های برنامه‌ریزی گردشگری در قرون بیستم و بیست‌ویکم و باتوجه‌به افزایش تغییر و تحولات در دنیا که جز جدایی‌ناپذیر از فضای گردشگری است، صنعت گردشگری را ناگزیر ساخته است تا دائماً محیط‌های داخلی و خارجی و روندهای خود را زیر نظر داشته و بدین ترتیب بتوانند در زمان مناسب و بر حسب ضرورت، خود را با تغییرات وفق دهند. بنابراین مقاصد گردشگری (اعم از کشور، استان، شهر، روستا یا یک جاذبه) بایستی به‌منظور روشن‌ساختن مسیر حرکت آینده، خلق جایگاه مناسب، کسب سهم بیشتر از بازارهای گردشگرفرست و بسیاری دیگر، به شیوه‌های زیرکانه‌ای این مهم را به انجام رسانده و خود را با آن سازگار نمایند. کشور ما نیز در سال‌های گذشته براساس توسعهٔ منطقه‌ای، رویکردی را اتخاذ کرده که تاکنون جای بحث و مجادلات بسیاری را داشته است؛ سیاستی با نگاه بالابه‌پایین و کل‌نگر که حاصل تصمیمات ستادی برای جای‌جای کشور است. هر بوم و هر اقلیم باتوجه‌به ظرفیت‌هایی که دارند شرایط توسعهٔ متفاوتی را طلب می‌کنند. برنامه‌های راهبردی بر پایهٔ نیازسنجی نظام‌مند در هر منطقه ترسیم شده و به نهاد بالادست پیشنهاد می‌شود و براساس اهداف کلان حاکمیت و سند آمایش سرزمین، کاربری‌های کلان را طرح‌ریزی می‌کنند. در کشور ما این ساختار وجود دارد، اما در اجرا سازمان‌ها به‌صورت جزیره‌ای دست به اقدام زده و برنامه‌ریزی راهبردی را دچار چالش می‌نمایند. نگاه دغدغه‌مند برای ایجاد نقشهٔ راه و اجرای دقیق برنامه، اوجب واجبات است که نیاز به بازسازی و احیاء دارد.

توجه به دیپلماسی گردشگری

کشور ما از نخستین تمدن‌های دیپلماتیک در جهان است. توجه به «منشور کوروش» در دورانی که رویکردهای دُوَل مختلف، کشورگشایی بود و ارزش هر فرمانروایی را ابعاد سرزمینی مشخص می‌کرد پادشاهی هخامنشی دست به کاری نو در عرصهٔ بین‌المللی می‌زند و تعریفی نوین از روابط را بر پایهٔ صلح و دوستی ارائه می‌کند. امروزه نیز یکی از ارکان توسعهٔ سیاسی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، نگاه دیپلماتیک به هم‌پیمانان‌شان است. گردشگری یکی از مهم‌ترین و پرسودترین راه‌های ایجاد روابط با دیگر کشورهاست. در واقع پیش‌درآمد یک رابطهٔ موفق در بسیاری از تصمیمات استراتژیک کشورها، عقد تفاهم‌نامه‌هایی بر پایهٔ صنعت ارزشمند گردشگری است. البته که بسیاری از کشورها میانگین سرانهٔ تولید ناخالص داخلی خود را با این ابرصنعت تراز می‌کنند و عملاً از ورود به دیگر صناعات پرهزینه دوری می‌جویند. پیشنهاد می‌شود در حوزهٔ روابط دیپلماتیک در منطقه، یکی از ارکان گفت‌وگو، دیپلماسی نوین گردشگری باشد؛ چرا که پیام‌آور صلح و دوستی است و در لایه‌های پنهان خود، توسعهٔ فرهنگ و ترویج رویکردهای داخلی و صادرات، روحیهٔ صلح‌طلبی ایرانیان را در دل خود دارد.

توجه به خط‌مشی صنعت گردشگری

اصولاً خط‌مشی باید مجموعه‌ای از رهنمودها را ارائه کند که در ترکیب با اهداف برنامه‌ریزی باعث شکل‌گیری مدلی از راهکارها برای تصمیم‌گیری مناسب شوند. درک خط‌مشی گردشگری در سراسر جهان چندوجهی بوده و از سوی حکومت‌ها تعریف مشخصی از آن نمی‌شود. خط‌مشی گردشگری هم فرآیند و هم محصول «فرآیند تصمیم‌گیری و محصول آن فرآیند» است. تنها راهی که خط‌مشی از حاکمیت مطلق حکومت می‌تواند به یک رویکرد تعامل‌محور با بخش خصوصی منجر شود، تحقیقات جامع در زمینهٔ اثرات گردشگری به فرآیند تصمیم‌گیری مناسب و توسعهٔ خط‌مشی منجر خواهند شد. مهم‌ترین خط‌مشی‌گذاری در کشور ما در حوزهٔ گردشگری برنامهٔ پنج‌سالهٔ توسعه است.

برنامهٔ هفتم توسعه

برنامهٔ پنج‌سالهٔ هفتم از سال ۱۴۰۲ آغاز شده و تا سال ۱۴۰۶ به پایان می‌رسد و رسماً ریل‌گذاری تمامی فعالیت‌های دولت چهاردهم را انجام داده است. چشم‌انداز رشد ۸ درصدی اقتصادی در این دولت، در صورتی محقق خواهد شد که ارکان نظام با دولت همکاری‌های لازم را داشته تا دولت بتواند در سیاست‌های خود موفق بوده و تا پایان دورهٔ خود، به این رشد دست پیدا کند. اما کار بسیار سخت است؛ دولت با مجلسی روبه‌روست که در دست رقیب است و برای کوچک‌ترین تصمیمات با چالش‌های اساسی روبه‌روست. در برنامهٔ هفتم، برای گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع‌دستی، در قالب ۹ ماده تصمیماتی اتخاذ شده است که رویکردی توسعه‌محور داشته و نگاه به بخش خصوصی را تقویت می‌کند.

مدیریت زنجیرهٔ تأمین گردشگری پایدار

مدیریت زنجیرهٔ تأمین در صنعت گردشگری، مجموعه‌ای از رویکردهاست که برای مدیریت اثربخشی و هماهنگی بین چند سازمان در یک شبکه از مدیریت زنجیرهٔ تأمین گردشگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفهوم زنجیرهٔ تأمین گردشگری در سال ۱۹۷۵ توسط «**UNWTO**» با تمرکز بر شبکه‌های توزیع و فعالیت‌های بازاریابی در صنعت گردشگری معرفی شد. درحال‌حاضر پژوهش‌ها به هفت مسئلهٔ کلیدی مدیریت زنجیرهٔ تأمین که عبارتند از: مدیریت تقاضا، روابط دوطرفه، مدیریت تأمین، مدیریت موجودی، توسعهٔ محصول، هماهنگی زنجیرهٔ تأمین گردشگری و فناوری اطلاعات گسترش یافته است. در نهایت آن‌چه که مورد توجه است، یکپارچه‌سازی خدمات از لحظهٔ تصمیم گردشگر است تا پایان سفر او که در یک ساختار هدفمند و همسو، خدمات مورد نیاز او را عرضه کند. آن‌چه که در کشور ما باعث عدم توسعهٔ گردشگری است و اجازه صنعت‌شدن به ما نمی‌دهد، عدم یکپارچگی خدمات است؛ از رزرواسیون گرفته تا حمل‌ونقل تا خدمات تور و... بخش خصوصی در سال‌های گذشته تلاش‌های زیادی را مبنی بر ایجاد یک زنجیرهٔ تأمین در حوزهٔ گردشگری بر پایهٔ ساختار الکترونیک و اینترنت انجام داده است، اما به‌دلیل سیاست‌های ابلاغی و دستوری دولت، در بسیاری از حوزه‌ها ناکام مانده است.

فناوری اطلاعات و فضای مجازی

تاکنون هیچ دولتی سیستم‌سازی را در حوزهٔ گردشگری ایجاد نکرده است. سیستم یک فضای شبکه‌ای است و عوامل و متغیرها را در یک ساختار مشخص با یکدیگر مرتبط می‌کند. برای ایجاد یک سیستم کارآمد، به یک شالودهٔ ذهنی و اجرایی نیازمندیم؛ شالوده‌ای که در سیستم‌سازی مدنظر است، بر پایهٔ فناوری اطلاعات و فضای مجازی است. این‌که بحث را به‌سمت محدودسازی و اینترنت ملی ببریم، باخت بزرگ آغاز می‌شود؛ چرا که گردشگریِ قاعدتاً محدودیت مکانی را برنمی‌تابد و عملاً ساختار چرخهٔ اقتصادی را دچار خدشه خواهد کرد. از طرفی تولید محتوای باکیفیت و تعامل با گردشگرانی که از طریق فضای مجازی ظرفیت‌های بکر کشور را رصد می‌کنند، بسیار مهم است. رسانه‌های مختلفی نیاز است که فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های کشور را در قالبی بین‌المللی ارائه دهد. سیستم‌سازی، توجه به فناوری اطلاعات و توسعهٔ فضای مجازی در کنار راه‌اندازی رسانه‌های حرفه‌ای و کارآمد گام‌های اول توسعهٔ گردشگری در کشور هستند که بایستی به آن‌ها توجه شده و اجرا شود.

باتوجه‌به نکاتی که مطرح شد، درحال‌حاضر صنعت گردشگری و مهمان‌نوازی در کشور شرایط بسیار شکننده‌ای را تجربه می‌کند. توجه به برنامهٔ هفتم توسعه با تعریف خط‌مشی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در توسعهٔ گردشگری، بیش‌ازپیش مورد توجه است. الزام اجرایی‌شدن این سیاست‌ها استفاده از مدیران و کارشناسان خبره در بخش گردشگری و مهمان‌نوازی است. امید است با توجه ویژهٔ حاکمیت به مبحث استراتژیک گردشگری، بشود این ابرصنعت را در اِشل ملی به شکلی مدون پایه‌ریزی کرد و تعامل با جهان را از این طریق احیاء کرد.

آرشام صفری‌نژاد مدیر کتابفروشی «خانه کتاب» در بوشهر:

توسعه کافه‌کتاب‌ها راهی موثر برای فراگیری فرهنگ کتابخوانی است

«بازار کتاب»؛ پرمزیت اما ناشناخته



سرویس استان‌های خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) – الهام بهروزی: امروز که یکی از روزهای «خرماپزون» (بسیار گرم و شرجی) جنوب است، راهی خیابان عاشوری بوشهر می‌شویم که از شلوغ‌ترین خیابان‌های این بندر کهن به‌شمار می‌رود تا سری به کتابفروشی «خانه کتاب» بزنیم؛ همان کتابفروشی که در برخی از مناسبت‌ها با تخفیف‌های ویژه‌ای که می‌گذارد، سعی می‌کند کتاب را با قیمت مناسب‌تری به همشهری‌هایش عرضه کند.

بی‌شک وجود چنین کتابفروشی‌هایی برای هر شهری لازم است، به‌خصوص شهرهایی مثل بوشهر که مردمی کمتر کتابخوان دارد و تنها اقلیتی کتاب‌خور! این شهر با وجود این‌که نویسندگان و مؤلفان مستعد و باتجربه‌ای را در بطن خود پرورش داده اما در فراگیر کردن فرهنگ کتاب و کتابخوانی در پیچ و تاب کوچه‌های چالش‌برانگیزی مانده است و همچنان فرهنگ شفاهی محبوب‌ترین فرهنگ نزد اهالی‌اش است؛ اهالی که عموماً در قصه‌ها و تاریخ شفاهی بندر غور می‌کنند.

«خانه کتاب» مدت‌هاست به سهم خود در تلاش است تا پای این مردمان نجیب و شیفته شنیدن را به کتابفروشی بیشتر باز و آن‌ها را ترغیب کند تا این بار تاریخ و قصه‌های جنوب را در کتاب‌هایی چون «تنگسیر»، «سال آزارو»، «سیاسنبو»، «زمین سوخته»، «به چشم‌های هم خیره شده بودیم» و... جست‌وجو کنند و بخوانند. این کتابفروشی با مدیریت دو برادر؛ یعنی آرشام و آریا صفری‌نژاد اداره می‌شود. این کتابفروشی تا سال گذشته تنها ۵۰ متر مربع مساحت داشت ولی با اضافه شدن کافه در طبقه فوقانی‌اش، مساحتش دو برابر شده؛ یعنی ۱۰۰ متر مربع.

خانه کتاب در کنار عرضه کتاب‌های نوبرانه و پرفروش و کمیاب ایران و جهان، از عرضه نوشت‌افزار، کادویی و هنری غافل نشده و حدود یک سوم از فضای خود را به بخش نوشت افزار و کادویی اختصاص داده است. همچنین این کتابفروشی با ایجاد کافه تلاش کرده تا فضای مناسبی را برای کتابخوانان بوشهری در طبقه فوقانی خود فراهم کند؛ فضایی که پای گروه‌های کتابخوان را به کتابفروشی باز کرده تا در طول هفته در جمعی دوستانه درباره کتاب‌های که می‌خوانند با هم گپ و گفت داشته باشند.

کتاب؛ کالایی دانایی‌گستر و غریب در زیست اهالی شهر

یکی از مدیران «خانه کتاب» در این باره به خبرنگار ایبنا در بوشهر گفت: کتاب کالایی دانایی‌گستر و تجربه‌ساز است که هنوز در زیست اهالی شهر غریب است. بی‌شک برای ورودش باید برنامه‌سازی و سیاست‌های حمایتی تدبیر کرد. خود ما سال گذشته بعد از شش سال فعالیت، خلائی را که در کتابفروشی برای گپ و گفت کتابخوانان وجود داشت با راه‌اندازی کافه در طبقه بالای کتابخانه برطرف کردیم. چون فضای کتابفروشی کوچک بود و امکان این‌که دوستداران کتاب بتوانند دور هم گرد بیایند و در مورد کتاب صحبت کنند، وجود نداشت. از دید من، یکی از راه‌های فراگیر کردن فرهنگ کتابخوانی، همین ایجاد و توسعه کافه‌کتاب‌هاست.

آرشام صفری‌نژاد افزود: در همین یک سالی که کافه فعال شده، بسیاری از گروه‌های کتابخوانی و افراد کتابخوان به‌ویژه نوجوانان و جوانان به کافه می‌آیند و نشست‌ها و برنامه‌های متنوعی را برگزار می‌کنند. بی‌شک این نشست‌ها یکی از بهترین و موجه‌ترین تفریحات و برنامه‌های فرهنگی است که به‌شکل مطلوبی اوقات فراغت جوانان را پرمی‌کند.

وی که بخش کتابفروشی خانه کتاب را مدیریت می‌کند، درخصوص چگونگی راه‌اندازی این کتابفروشی گفت: سال ۹۶ بود که خانه کتاب را با همراهی برادرم در خیابان عاشوری بوشهر با علم به این‌که کارهای فرهنگی نظیر کتابفروشی سود چندانی ندارد راه‌اندازی کردیم تا به سهم خود دسترسی همشهری‌های‌مان را به کتاب‌های کمیابِ بومی و... و تازه‌های نشر تسهیل کنیم. تقریباً دو سال از فعالیت‌مان می‌گذشت که بیماری مرگبار کرونا شیوع پیدا کرد و ما به‌منظور حفظ جان و سلامتی مخاطبان‌مان هم‌زمان با بازار گناوه تعطیل و سه ماه کامل فروش حضوری کتابفروشی را متوقف کردیم و تنها فروش آنلاین داشتیم. کرونا ضربه مهلکی به کار ما زد تا جایی که هنوز نتوانسته‌ایم به روزهای خوب پیشاکرونا برگردیم، چون با کنترل این ویروس این بار تورم و افزایش ناگهانی قیمت کتاب موجب شد که



قدرت خرید مردم برای کتاب کاهش پیدا کند. افزایش قیمت کتاب، قدرت خرید مردم را پایین آورده است.

صفری‌نژاد با اشاره به لزوم اختصاص یارانه به حوزه کتاب بیان کرد: کتاب کالایی است که برای نهادینه شدن در جامعه نیازمند تصویب سیاست‌های هدفمند و کارا و یارانه است. همان‌گونه که دولت برای بنزین یارانه مصوب کرده، باید به حوزه فرهنگ به‌ویژه کتاب هم یارانه اختصاص بدهد. بی‌شک زمانی که وضعیت کتاب این‌گونه است و سیاست‌های فرهنگی ما الکن است، نمی‌توان توقع داشت که مردم کتابخوان شوند. قیمت‌های کتاب در همین یک سال اخیر بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته، قطعاً این گرانی قدرت خرید مردم را پایین آورده است.

«بازار کتاب» به‌خوبی برای کتابفروشان شهرستانی معرفی نشده است

وی ادامه داد: پیش از این، طرح‌های فصلی کتاب مثل پاییزه کتاب، بهاره کتاب و... اجرا می‌شد که تخفیف خوبی داشت. ما نیز در این طرح حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد تخفیف می‌گذاشتیم که این امر موجب تسهیل خرید کتاب می‌شد و خانواده‌ها به‌ویژه جوانان و زنان از آن خیلی استقبال می‌کردند. با حذفِ این طرح‌های فصلی، طرح دائمی دیگری ظاهراً به نام «بازار کتاب» تعریف شده اما ما تا این لحظه از آن بی‌خبر بودیم. در حالی که طبق توضیحاتی که شنیدیم این طرح مزایای خیلی خوبی دارد، هم تخفیف خوبی دارد و هم دسترسی به کتاب را برای مخاطبان به شکل آنلاین میسر کرده است. متاسفانه به دلیل ضعف در اطلاع‌رسانی و معرفی این طرح خوب، ما تا الان از وجود آن آگاهی نداشتیم ولی حتماً برای عضویت در آن اقدام خواهیم کرد.

مدیر کتابفروشی «خانه کتاب» در پاسخ به این سوال مبنی بر این‌که با وجود این شما در برخی از مناسبت‌های تخفیف‌های را لحاظ می‌کنید، این کار چقدر مورد استقبال قرار می‌گیرد؟، گفت: بله، ما در روز بوشهر (۱۸ اسفند) و سالروز تاسیس کتابفروشی برای هر کدام از این مناسبت‌ها هر سال به مدت یک هفته تخفیف ۲۰ درصد می‌گذاریم که بیشتر با استقبال نوجوانان و زنان مواجه می‌شود و بیشتر هم کتاب‌های روز ادبیات جهان و ایران و کتاب‌های روانشناسی و موفقیت می‌خرند. این تخفیف‌ها کمک می‌کند تا توان خرید مخاطب کتاب تقویت شود و کتاب‌های موردنظر خودشان را نیز با قیمت مناسب‌تری خرید کنند.

بلاگرهای کتاب بیشتر مبلغ ناشران و نویسندگان ملی هستند تا شهرستانی!

وی همچنین در خصوص این‌که چه اقدامات دیگری برای تسهیل دسترسی مخاطبان خود به کتاب و فراگیری فرهنگ کتابخوانی در جامعه هدف‌تان انجام دادید که موثر واقع شده است؟، بیان کرد: رونمایی از کتاب‌های نویسندگان صاحب سبک بومی مثل احمد آرام در هفته بزرگداشت بوشهر و برخی از مناسبت‌های دیگر، راه‌اندازی کافه کتاب و معرفی کتاب‌های نویسندگان بومی و ملی و تازه‌های نشر در فضای مجازی از دیگر اقداماتی است که با سرمایه شخصی انجام داده و می‌دهیم، چون امروز فضای مجازی به ویترین و بازاری برای تبلیغ انواع کالاها مبدل شده است که در حوزه کتاب هم با ظهور بلاگرهای بسیاری شاهد تبلیغ کتاب هستیم اما اغلب کتاب‌هایی که این بلاگرها معرفی می‌کنند، بیشتر خلاصه می‌شود در معرفی کتاب‌های ناشران مطرح و کارهای ترجمه یا نویسندگان و داستان‌نویسان ملی. کمتر در این تبلیغات نویسندگان شهرستانی دیده می‌شوند که این خلأ و نقیضه امیدوارم برطرف شود.

نویسندگان و شاعران بوشهری در ادبیات معاصر ایران، جایگاه والایی دارند

صفری‌نژاد با تاکید بر این‌که بوشهر نویسندگان و شاعران بسیار بزرگی دارد که در ادبیات معاصر ایران از جایگاه والایی برخوردارند و به هیچ طریقی نمی‌توان آن‌ها را حذف کرد، افزود: صادق چوبک، رسول پرویزی، منوچهر آتشی، علی باباچاهی، احمد آرام، محمدرضا صفدری، نجف دریابندری، ایرج صغیری و... هر کدام از این نام‌ها وزنه‌ای در ادبیات ما هستند ولی متاسفانه به‌دلیل ضعف تبلیغاتی که در حوزه کتاب داریم، آن‌گونه که باید نسل امروز با این بزرگان آشنا نشده‌اند، از این‌رو، ما با اختصاص قفسه ویژه برای نویسندگان و شاعران بومی تلاش کردیم که نسل امروز را با مفاخر فرهنگی استان‌مان آشنا و حتی در انتخاب کتاب آن را همراهی کنیم. همین معرفی‌ها موجب شده که مخاطب ما شیفته و جذب آثار این نویسندگان شوند و بابت آن از ما تشکر کنند.

«خانه کتاب» بیانگر دغدغه ما در حوزه کتاب است

وی با اشاره به این‌که یکی از مهم‌ترین اهداف ما از انتخاب نام «خانه کتاب» برای کتابفروشی‌مان همین بود که آن‌ها را به کتاب و سرمایه‌های فرهنگی‌مان انس بدهیم، تصریح کرد: ما برای نام کتابفروشی دنبال نام بودیم که در خودش مستقیماً معنا و مفهوم کتاب را به ذهن مخاطب متبادر کند مثل کتابخانه، ولی خب، کتابخانه یک جای مشخص با کارکرد مشخص بود اما ما با یک ابتکار آن را برعکس کردیم و شد «خانه کتاب»؛ اسمی که دقیقاً هدف و دغدغه ما را می‌رساند. بعدها متوجه شدیم که موسسه دولتی به نام «خانه کتاب و ادبیات ایران» وجود دارد ولی ما کاملاً مستقل از این موسسه حیات یافتیم و در راستای عرضه کتاب و ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه فرهنگ‌دوست بوشهر اهتمام ورزیدیم.

به گفته مدیر کتابفروشی «خانه کتاب»، این کتابفروشی هم‌اینک در همه گروه‌های سنی اعم از کودک تا بزرگسال و ژانرهای مختلف، کتاب‌های کمیاب و به‌روز را از ناشران مطرح کشوری و بومی عرضه می‌کند و توانسته در این چند سال در بوشهر مخاطب‌سازی کند.

صفری‌نژاد، فروش کتاب را در سال جاری امیدبخش دانست و افزود: با وجود این‌که بخشی از کتابفروشی به عرضه نوشت‌افزار و وسایل کادویی و دست‌سازه‌های هنری اختصاص یافته است اما وزنه کتاب سنگین‌تر است و تنها در فصل پاییز فروش نوشت‌افزار با استقبال خوبی مواجه می‌شود، در بقیه ایام سال، این کتاب است که پای خریداران را به کتابفروشی باز می‌کند. امیدوارم در دولت چهاردهم با حمایت ویژه از صنعت نشر و حوزه کتاب شاهد حضور پرشورتر مردم برای خرید کتاب باشیم؛ چون کتاب بهترین دوست و ابزار دانایی است. به کمک آن می‌توان به گوشه و کنار ایران و سرزمین‌های دیگر سفر کرد و با اقوام و ملت‌های مختلف و تجربه‌های زیسته آن‌ها و همچنین اطلاعات و داده‌های تازه در علوم مختلف آشنا شد.

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و پیشکسوت فوتبال تهران و بوشهر(۲)

دعوت تورانی و گرانبها برای پیوستن به تابان (شاهین)



آشنایی با فوتبال بوشهر

در سال ۱۳۵۲ در نخستین روزهای هفته حضور در بوشهر، من به اتفاق هم اطاقی و دوستم واهیک میناییان در پشت گرمابه شهرداری در یک زمین خاکی تمرین دو نفره و بعد با بچه‌های همان زمین، فوتبال بازی می کردیم. در یکی از این روزها اتفاقی به تمرین تیم تاج رفتیم و اجازه گرفتیم و بعد از تمرین درون تیمی بازی کردیم. مرحوم حسین آقا غریبی به ما لطف کردند و بازی دادند و خیلی خیلی خوشحال شدیم چون تیم‌شان دارای چند بازیکن سطح بالا و فوتبال فهم بود که بعدها افتخار بازی کنارشان را پیدا کردیم، مثل حاج مجید مشایخ و آقای اهرمی‌نژاد و سهراب خان پناهنده و تنی چند که خیلی خوب بازی می کردند.

اما حقیقت جو حاکم در تیم‌شان برای من سنگین بود به ویژه آن نظم و انضباط و رابطه بین سرمربی و بازیکنان جدی نبود و شوخی‌های بیش از اندازه باعث شد که در ذهنم باقی بماند و ما چون مهمان بودیم و عبوری، دیگر کسی را ندیدیم.

حضور در تمرین تیم تابان (شاهین)

در همان هفته‌های نخست زندگی در بوشهر، به استادیوم بوشهر رفتیم و دور زمین می‌دویدیم که یک تیم ورزشی با البسه بسیار زیبا و قشنگ و خیلی هم پرتعداد، تمرین فوتبال می کردند، من هم باتفاق واهیک میناییان چند دور زدیم و هر از چندگاهی نیم نگاهی هم به زمین سفید و گچی ولی صاف و کارهای بازیکنان می‌انداختیم. در یک صحنه که من و واهیک پرفشار کار می کردیم و با صدای دست نخست عقب عقب و بعد با دست بعدی به جلو می‌دویدیم، یک توپ به نزدیک من آمد و نگاهی کردم و با دست اشاره کردم که من برایتان ارسال می کنم و خیلی خوشحال شدم و عطش شدیدی داشتم و گویا تشنگیم با توپ رفع شد، مثل همه فوتبالیست‌ها یکی دو ضربه زدم و با یک شوت دقیق به نفری که در حال آمدن به سمت توپ بود رساندم و لحظه‌ای بعد یک صدای مردانه و پرانرژی بلند گفت تشکر جوان. روبرگرداندم دیدم یک مردخوش هیکل با سبیل‌های مردانه که به هنرپیشه های فیلم شباهت بیشتری داشت تا یک تمرین‌دهنده و یا مربی، من هم با لهجه تهرونی بلند گفتم خواهش داداش.

دور بعدی تمام نشده بود و خیس عرق شده بودیم که هنوز به نیمه نرسیده بودیم که دو تا بازیکن خوش‌قد و قواره و کمی نسبت به بقیه بزرگتر نزد ما آمدند و پرسیدن شما فوتبالیست هستید؟ من ذوق زده و خوشحال گفتم بله هر دو فوتبال بازی می کنیم. گفتند اگر دوست دارید بیایید با ما بازی کنید.

خیلی خوشحال شدیم که بعد از مدت‌ها می‌توانیم پا به توپ بشویم و خدا خدا می‌کردیم که بازی به ما برسد، چون تیم اصلی را چیده بودند و منتظر تیم ذخیره و یا تیم تمرینی بودند و از آن‌جایی که تعدادشان زیاد بود من قلبا خدا خدا می کردم که بازی به ما و یا من حداقل برسد، واهیک زیاد مثل من شور و هیجان نداشت، هنوز در غم دوری از خانواده بود ولی من عاشق توپ و بازی و فوتبال و رفاقت بودم. تا یادم نرفته بگم دو نفری که سمت ما آمدند مردان خوشنام و بیاد ماندنی احمدخان تورانی و غلام خان بوالخیری بودند و آن مرد خوش‌تیپ و با معرفت، آقا جواد گرانبها، هر سه از مردان تکرار نشدنی و خوشنام و با معرفت‌های دوران خود، که همواره قابل احترام برای اهالی ورزش در بوشهر و استان، یادشان گرامی و روح‌شان شاد.

خلاصه جناب جواد گرانبها از من پرسید کجا بازی می کنی و من ترس از این که پست خود را بگویم و بازی به من نرسد، فوری گفتم همه جا آقا همه جا می‌تونم بازی کنم، و بعد گفتند چه پستی؟ مجدد با ترس و دلهره و دلشوره گفتم فوروارد فوروارد آقا. سپس با خوشرویی و قیافه مردانه‌اش گویا فهمیده بود من چقدر مشتاق بازی هستم گفت هر جا باشی بازی می کنی، پست خودت کجاست؟ با خوشحالی و اعتماد به نفس بالا این‌بار محکم گفتم آقا من گوش راست هستم و شماره‌ام هم همیشه هفت است و اشاره به پیراهن آبی شماره هفت خود کردم. سپس گفت دوستت کجا بازی می‌کنه؟ گفتم هافبک. بعد بلند گفت شما برو روی خط گوش راست و به دوستت بگو بیاد اینجا هافبک. خدا می‌داند که الان هم بعد از نیم قرن که می‌گویم، گویی همان لحظات شیرین و پاک و عصر مرام و معرفت است و در کنار بزرگان و مردان خدا ترس و پاک که جان و مال خویش را در راه تداوم فوتبال و جوانان آینده‌دار این مرز و بوم هزینه کردند و اکنون شاگردان و فرزندان و نوه‌هایشان نام بوشهر را جهانی می کنند.

به هر روی بازی شروع شد و چه روز خوبی را با یک نمایش دلپذیر و پر از صحنه‌های قشنگ به اتمام رساندم.

خلاصه درآن میدان آزمایشی که شاید من بیشتر زیر ذره‌بین بودم خوب درخشیدم و تا آن‌جا که داداش مرتضی مصلح که جوانی محجوب و بااخلاق بودن مورد اعتراض قرار گرفتند و بزرگان تیم به ایشان ایراد می گرفتند که این بالاسونی راتخریب کن و بگیر و نذار نفوذ کند. من یک لحظه دیدم مرتضی علی مصلح کمی آشفته و رنگ از رخسارش پرید و به او نزدیک شدم و عذرخواهی کردم و گفتم مرا ببخش و این بزرگمرد و جوان در آن روزگار گفت نه بابا اشکالی نداره بازیت را بکن. در صحنه‌ای دیگر وقتی یک حرکت خوب کردم و به قلب دفاع زدم و روی نقطه پنالتی یارم را دیدم و با یک بغل پا به وی پاس دادم و او هم گل زد، نتیجه دو بر یک شد و ما یکی از گل‌ها را پاسخ دادیم، همه فهمیدن که شماره هفت فوتبال بلده و درست همان لحظه برادر عزیزم علی مصلح آهسته گفت چه حرکتی کردی، تهران فوتبال بازی می‌کردی؟ و من به آرامی و خوشحال از روحیه و مرام و معرفتش گفتم آری. از همان‌جا طناب دوستی من و علی مصلح چنان گره‌ای خورد که تا هنوز در افسوس این هستم که علی چقدر زود ما را ترک کرد. در بوشهر و کرمانشاه در جام تخت جمشید وقتی برای کمک به تیم محبوبم ایرانجوان بوشهر کنارم بود، چه خاطرات و چه آرزوهایی برای هم داشتیم و خوش بودیم.

دعوت به جلسه رستوران صدف

بعد از بازی همگی به گرمابه شهرداری نزدیک استادیوم رفتیم و بعد از ساعتی همه آماده رفتن به خانه که این‌بار احمد خان تورانی جلو آمدن و با احترام و با مهربانی و متانت خاص خود به من گفتند شما ساعت هفت شب بیایید نزدیک سینما فانوس و بغل ساندویچی طبقه بالا رستوران صدف،



فرهاد امینی با برادران در ساحل بوشهر
ایستاده از راست: فریدون امینی، مسعود امینی
نشسته: ابراهیم آگین، فرهاد امینی

من و آقا جواد هم آن‌جا هستیم و ساعتی کنار هم حرف می‌زنیم. من هم تشکر کردم و مجدد آدرس درست را گرفتم و خداحافظی کردیم.

من هم خوشحال شدم و هم نگران چون متوجه شدم می‌خواهند راجع به فوتبال و احتمالا فقط با من حرف بزنند، تقریبا بیشتر دلشوره من از این منظر بود، زیرا در تیم اصلی‌شان قوی‌ترین پست همانا هافبک بود که خیلی خوب و روان بازی می کردند و همه شنوایی داشتند از دو هافبک خوش فکر و دونده‌شان. به هر روی من پس از یکی دو ساعت که با خودم کلنجار رفتم و آرام شدم، بدون حرفی با واهیک میناییان و یا پیش‌داوری نسبت به دعوت تیم تابان و یا همان شاهین بوشهر تصمیم گرفتم سرقرار حاضر شوم و چنان‌که فقط از من در خواست می کردند، می گفتم که ما به‌اتفاق از تهران آمدیم و در یک مکان زندگی می کنیم.

جلسه با احمد تورانی و جواد گرانبها

سرساعت به رستوران و سر قرار حاضر شدم و درست در یک مکان خاص و جلوی چشم، یک میز در بهترین نقطه رستوران دو مرد باوقار یکی تنومند و خوش هیکل و دیگری با قدی کوتاه‌تر ولی سیمایی مصمم و جدی‌تر انگاری یک‌دفعه در کافه خوزستان تهران میدان فوزیه هستم و قراره یک سکانس فیلمبرداری بشه، چون عجیب پشت آن میز که دارای سه صندلی بیشتر نبود و دو تا آدم مشتی و لوطی با هیبتی استوار و مردانه نشسته بودند و نگاه‌شان به من مستأصل افتاد، مرا از رویا و شوک رهانیدن و با اشاره وکمی آرام و بدون بلد شدن نام من مرا دعوت به میزشان کردند. من هم از درون یک تکانی به خود دادم و یک سیلی به خود و سرپنجه چند قدمی هم به احترام شان دویدم. وقتی رسیدم، احمد خان تورانی بلند شد و صندلی مرا جابجا کرد و سپس آقا جواد گویی بمانند فرمان فیلم قیصر گفت بشین و من هم نشستم و سلام کردم و احوالپرسی، بلافاصله گفت چی می‌خوری، من که هول شده بودم و دیدم روی میز انواع نوشابه‌های خارجی، گفتم هیچی هیچی، یهویی آقا جواد گرانبها گفت هیچی که نمیشه بایست یک چیزی بخوری بگو گارسن برایت بیاره هرچی دوست داری، من هم اطاعت امر کردم و گفتم از همین نوشابه‌ها از هر کدام باشد می‌خورم ولی آب بهتر است، گفت آب که باشه ولی غذا چی؟ گفتم من دیر غذا می‌خورم حالا خیلی زود.

زمان به کندی می گذشت و دقایقی سکوت که یک‌دفعه آقا جواد گفت تهران درتیمی هم بازی می کردی؟ گفتم: «چند سالی برای تیم دیهیم و افسر و یکسال هم برای تاج بازی می کردم».

گفت: «چی شد آمدی بوشهر؟» داستان را مختصر و کمی تندتر گفتم.

بعد با خوشحالی و صدایی چون یک برادر بزرگ و با الفت و مهربانی گفت: «من از بازی تو و سبک بازی و دریبل زدنت خوشم آمد به احمد گفتم این پسره به درد ما می‌خوره و داش احمد هم تصدیق کرد، دوست داریم این دو سال را کنار ما باشی».

من هم شوک شده بودم و هم می‌خواستم بگم ما دونفر هستیم از تهران باهم آمدیم که یک‌دفعه گفت: «کجا می‌نشینید؟ آدرس خونتون کجاست؟»

من هم گفتم: «آقا ماتازه یک هفته است آمدیم بوشهر، قرار بوده سپاه بهداشت به ما جا بدهد، فعلا بهونه آوردن که سپاهیان دوره قبل بدرفتاری و شلوغ بازی و بداخلاقی کردن و ما دیگر جا نداریم، خودتون برید اطاق اجاره کنید».

کمی ناراحت شد و اخم‌هایش تو هم رفت و با صدایی گرفته تر و متفاوت گفت: «بالاخره الان کجا زندگی می کنی و شب می‌خوابی؟» گفتم: «آقا تازه آمدیم میدون ششم بهمن، بالای قهوه خونه عبدل هتل پارس هستیم ولی دایمی نیست، به دنبال یک اطاق نزدیکی اداره سپاه بهداشت هستیم، حقیقت یک اطاق خوب پیدا کردیم پشت مسجد برازجونی‌ها، خونه آقا مرتضی تو فرودگاه کار می کنه، آدم خوبیه، همسرش ننه باقر ایشون هم راضی شده و از ما خوشش آمده، ولی چون دوستم واهیک میناییان ارمنی هست به ما اجاره نداد».

کمی تو فکر فرو رفت و گفت: «خوب باشه حالا یجایی راپیدا می کنید»، من هم گفتم: «انشالله با یکی دونفر تو اداره سپاه بهداشت حرف زدیم، سریدار آن‌جا آقا ماشالله آدم خوبیه، قول داده خونه آقای نوری تو فرودگاه که یک اطاق و آشپزخونه کوچک داره و تو اداره ما حسابدار است، حرف بزنه و برای‌مان اجاره کنه».

خلاصه آن شب خوشحال از دعوت دو مرد بزرگ و با معرفت که اجازه ندادن لااقل پول میز خودمون را حساب کنیم و بعد از ساعتی رخصت گرفتم با تشکر از پذیرایی‌شان خداحافظی کردم. ادامه دارد...

نقش سیاسی و اجتماعی روزنامه مظفری بوشهر در نهضت مشروطیت ایران

امید زاهد – پژوهشگر بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر

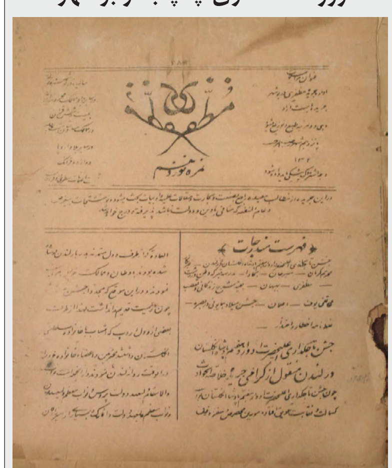


روزنامه مظفری حدود شش سال پیش از وقوع نهضت مشروطیت ایران در آغاز با مدیریت عبدالحمید خان متین‌السلطنه و سپس با مدیریت میرزا علی آقا لبیب‌الملک شیرازی در سال ۱۳۱۹ه.ق /۱۹۰۲.م در بندر بوشهر منتشر شد. روزنامه مظفری در ایران و خارج از ایران دارای وکلایی بود که توزیع روزنامه، جمع‌آوری و ارسال وجه اشتراک را بر عهده داشتند. در آغاز شروع به کار روزنامه مظفری تعداد مجموع وکلای روزنامه به بیش از ۵۰ وکیل در شهرهای مختلف ایران و قریب به ۴۰ وکیل در سایر شهرهای جهان می‌رسید. همچنین روزنامه مظفری در تهران از سوی ناظم‌الاسلام –مدیر روزنامه نوروز – به صورت مرتب توزیع می‌شد.

با آغاز نهضت مشروطه خواهی ایرانیان و صدور فرمان مشروطیت(۱۳۲۴ه.ق)، روزنامه مظفری بوشهر با چاپ مقالات مختلف به روشنگری برای طبقات مختلف پرداخت و با انتشار صورت تلگراف فتاوی و احکامات حجج اسلامیه(محمدکاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی در وجوب مشروطه و شورای مقدس ملی)، اخبار انجمن‌های ایالتی و ولایتی بوشهر و سایر شهرهای ایران و... به حمایت همه جانبه از مشروطه و مشروطه‌خواهان برخاست. به طوری که شماره بیستم از سال ششم روزنامه مظفری که رساله احیاء المله(در دفاع از مشروطه) از میرزا حسین معتقد اهرمی و اخبار و رویدادهای مشروطه در آن چاپ شده بود، در هزار شماره منتشر و به طور رایگان برای هموطنان ارسال شد.

جالب آن‌که ناظم‌الاسلام کرمانی مولف کتاب تاریخ بیداری ایرانیان که خود شخصا روزنامه مظفری را مشترک بود، می‌نویسد: اعلامیه‌ها و مطالبی که امکان چاپ آن‌ها، به دلیل خفقان در

روزنامه مظفری چاپ بندر بوشهر



تهران نبود، جهت چاپ به بوشهر و روزنامه مظفری ارسال می‌شد.

همچنین روزنامه مظفری پس از آماده شدن لایحه انجمن‌های ایالتی آن را منتشر کرد. که از جایگاه ویژه و پر اهمیت روزنامه مظفری حکایت دارد. با آماده شدن لایحه انجمن مخفی که به ادارات، جراید و وزرا نوشته شده بود، یک نسخه به اداره روزنامه حبل‌المتین کلکته و دیگری به اداره مظفری بوشهر و چند نسخه به مصر فرستاده شد. روزنامه مظفری پس از مدتی مدید لایحه را درج کرد، چه مقارن رسیدن لایحه به بوشهر روزنامه مظفری به حکم عین الدوله- صدراعظم - توقیف شده بود و پس از رفع توقیف در شماره سوم سال ششم با اندک تغییر و تصرفی درج گردید.

این پافشاری و حمایت از مشروطه و مشروطه‌خواهی از سوی روزنامه مظفری برای برخی عالم نمایان آن روزگار سخت و دشوار بود. به طوری که روزنامه مظفری پس از انتشار شماره بیست و یکم مورخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ به مدت دو ماه منتشر نشد. مدیر مظفری با گفتن این‌که «شرحش چون اسباب توحش است، بماند» در این باره سخنی بیشتر به میان نیاورده است. ولی اشاره دارد «این کار بر اساس اجبار و اضطرار انجام گرفت».

در پی این رویداد مدیر مظفری در پاسخ به برخی عالم نمایان و فشارهای آنان آمادگی خود را برای توزیع رایگان ۱۰۰ نمره روزنامه مظفری برای علماء

از راست آقا علی لبیب‌الملک شیرازی مدیر روزنامه مظفری و میرزا عبدالحمیدخان متین السلطنه مدیر روزنامه طلوع



و نیز ارسال رایگان ۱۰۰ نمره روزنامه برای مدارس، طلاب علوم دینیّه و شاگردان مدارس جدید ابراز داشت. روزنامه مظفری متمم نظامنامه قانون اساسی را هم در ۹ صفحه منتشر کرد. این نظامنامه در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ به تایید محمد علی شاه قاجار رسیده بود.

همچنین روزنامه مظفری مطالبی را با عنوان«شکستن طلسم استبداد و بنای دولت آباده مشروطیت در بوشهر و بنادر» منتشر کرد. افزون بر این حمایت‌های روزنامه مظفری از مشروطه خواهان و نیز طرفداری از انجمن ایالتی بوشهر موجب شد صفحات این روزنامه به درج اخبارات و مذاکرات انجمن بوشهر اختصاص یابد. همچنین مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در روزنامه مظفری چاپ می‌شد. البته انتشار این اخبار برای مدیر مظفری هم دردساز می‌شد. از جمله ادعای مسیو کنستان (کنستانتین) – رییس اداره گمرک بوشهر- مبنی بر این‌که انجمن در امور گمرک دخالت می‌کند و نیز از مدیر مظفری به جهت درج اخبار شکایت نمود.

این فشارها به مدیر مظفری سبب شد، از انجمن‌های تجارت، اتحادیه و صفا، بخواهد یک روزنامه برای درج اخبار و اقدامات خود طبع و نشر نمایند. چون مشروح مذاکرات انجمن نیاز به یک روزنامه مستقل داشت و از طرفی روزنامه مظفری از مطالب و اخبار خود باز می‌ماند و روزنامه گنجایش این همه مطلب را نداشت.

با وجود این مدیر روزنامه مظفری هر بار پس از توقیف و تبعید، بار دیگر فعالیت‌های مشروطه‌خواهی خود را دنبال می‌کرد. هواداری روزنامه مظفری از مشروطه باعث شده بود روزنامه مظفری به عنوان سخنگوی مشروطه‌خواهان جنوب بیش از پیش مطرح شود. با به توپ بستن مجلس شورای ملی از سوی لیاخوف روسی و بر سرکار آمدن محمدعلی‌شاه و آغاز استبداد صغیر مشروطه خواهان در بوشهر نیز تحت فشار قرار گرفته و از طرف حاکم وقت عرصه بر آنان تنگ شد. احمدخان دریابیگی حکمران بوشهر و بنادر روزنامه مظفری را توقیف کرد و لبیب‌الملک به دستور دریابیگی به هندوستان تبعید شد. مدیر مظفری به جمع آزادی‌خواهان و دیگر فراریان از ایران، از جور استبداد صغیر محمدعلی شاهی پیوست. مدیر روزنامه مظفری به همراه مدبرالممالک هرندی سردبیر و ناشر روزنامه تمدن راهی مصر شد و سپس به مکه رفت.

لبیب‌الملک در مکه نیز یک شماره فوق‌العاده روزنامه مظفری را منتشر کرد. او در این شماره از آزادی‌خواهان عثمانی نیز تجلیل به عمل آورد و آزادی‌خواهان ایرانی را به مبارزه با مخالفان مشروطه ترغیب نمود. روزنامه مظفری همچنان با همان خط مشی خود به انتشار ادامه می‌داد و بر ضد سیاست‌های انگلیس در ایران مطالبی را منتشر می‌کرد. انعکاس این مطالب مقامات انگلیسی مستقر در بوشهر را وادار کرد تا بر موقرالدوله حاکم وقت بوشهر فشار آورده و موجبات توقیف روزنامه و تبعید مدیر روزنامه مظفری را فراهم نماید. گفتنی است اخبار بازداشت و تبعید مدیر روزنامه مظفری در مطبوعات خارج از کشور مثل چهره‌نما نیز بازتاب وسیعی داشت.

روزنامه مظفری از روزنامه‌های آزاد و ارجمندی بود که دوش به دوش روزنامه حبل‌المتین هندوستان پیش می‌رفت، منتهی چون حبل‌المتین در خارج ایران طبع و توزیع می‌شد، دشمنان آزادی ایران دسترسی به توقیف و جلوگیری از انتشار آن نداشته‌اند، فقط یکی دو سه بار توانستند از ورود آن به خاک ایران جلوگیری کنند، اما بیچاره مدیر مظفری چون در داخل ایران می‌زیست دچار همه گونه عذاب و شکنجه شد. توقیف‌های مکرر روزنامه از عزم مدیر آن نکاست و حتی در خارج از مرزهای ایران نیز انتشار آن ادامه می‌یافت.

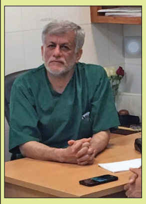
روزنامه مظفری در این دوره مورد مؤاخذه و تعقیب انگلیسی‌ها قرار گرفت و مدیرش ناگزیر از در بدری و آوارگی در عتبات عراق شد. موقرالدوله حاکم بندر بوشهر بود و به مدیر مظفری آزارها رسانید و او را به زندان افکند وقتی از زندان رها شد و به عراق رفت روزنامه انتقام را در مطبعه جدیدالتاسیس خود به طرفداری از عثمانی‌ها بر ضد انگلیسی‌ها در کربلا چاپ کرد.

پس از پایان جنگ جهانی اول و فروکش کردن شورش‌ها در بندر بوشهر و جنوب ایران میرزا محمدکریم مظفری، فرزند ارشد میرزا علی‌آقا لبیب‌الملک - مدیر روزنامه- اقدام به انتشار دور جدید روزنامه مظفری در بندر بوشهر نمود. روزنامه مظفری تا حوالی سال‌های ۱۳۴۰ه.ق/۱۹۲۱.م منتشر شد. سال ۱۳۴۰ه.ق /۱۳۰۱ه.ش به دنبال یک بحران مالی و در پی دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ایران، انتشار روزنامه مظفری متوقف و بدین ترتیب قدیمی‌ترین و دیرپاترین روزنامه بوشهر پس از ۲۱ سال انتشار برای همیشه تعطیل شد؛ اما چراغی که روزنامه مظفری در جنوب ایران و در نهضت مشروطیت ایران بر افروخته بود، سال‌ها روشنی بخش دل‌ها و چراغ راه آزادگان و مشروطه خواهان ایران گردید.

منابع:
روزنامه مظفری چاپ بندر بوشهر از سال ۱۳۱۹ه.ق لغایت ۱۳۲۹ه.ق
محیط طباطبایی، میرسید احمد (۱۳۶۶)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
سید قاسم یاحسینی (۱۳۷۴)، صدسال مطبوعات بوشهر، بوشهر: ناشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، چاپ اول.

بوشهر در مسیر پیشرفت؟!

دکتر عبدالرحیم مهرور



در صبحی غم‌بار از تعطیلی‌های بی‌مورد و بی‌شماری که نمی‌دانیم روز و شب‌مان چگونه با این همه تعطیلات کمرشکن اقتصادی سپری می‌شود و بدون این‌که هواشناسی را چک کنند، خود سرانه در یک آب و هوای نسبتاً خوب تابستانی، همراه با بادهای شمالی که درجه گرما کمتر از ۴۰ بود و در سال جهش تولید! که باید چرخ‌های تولید بیشتر به چرخش درآید به طور ناگهانی توسط مسئولین ناتوان از مدیریت چندین روز ادارات بوشهر تعطیل یا نیمه‌تعطیل می‌شود! بر حسب عادت همیشگی هر روز صبح به مدت نیم‌ساعت از منزل به‌طرف محل کارم پیاده‌روی می‌کنم، در بین راه با افراد و سوژه‌های متفاوتی روبرو می‌شوم از فقیر گرفته تا غنی و درون هر سوژه‌ای هزاران راز و رمز و نیاز نهفته است. تا این‌که روبه‌روی عدالت خانه ای رسیدم، با صحنه‌ای عجیب از تسخیر پیاده رو توسط آن مجموعه برخورد کردم! مات و مبهوت شدم به‌طوری‌که سرم سوت کشید، چشمم را بستم اما ذهنم متحیر و هراسان، به راهم ادامه دادم. (پیشرفت اول سد معبر).

روبه‌روی استانداری که رسیدم آگهی مزایده زمین چند هزارمتری به مالکیت آن اداره، غم‌بار و پکرم کرد. افسوسم دوچندان شد که چه رمز و رازی بر افکار مدیریت استان حاکم است. گویا این زمین سی سال قبل قرار بود طی قراردادی برای توسعه و رونق اقتصادی بندر بوشهر با دولت قطر معاوضه شود، اما از بخت بد ما بوشهری‌ها نه تنها سرکاری بود بلکه پوچ درآمد و اکنون آب یخی شده که به رونق اقتصادی این بندر کهن ریخته شده است. یک لحظه به‌جای این‌که سرم



سوت بکشد یک‌باره بوق کشید!(پیشرفت دوم حراج اموال دولت).

باز هم در حین ناباوری و ناامیدی به جلوتر رفتم تا این‌که به بنری بزرگ در میدان امام رسیدم، محتوای بنر را که دیدم چشمم بیلیک بیلیک (خیره) زد. از ساخت آسفالتی در یکی از محله‌های جنوبی به نام خواجه‌ها به‌طول یک و نیم کیلومتر با هزینه ۳۵ میلیارد تومان آن‌هم در طی ۱۸ ماه احداث گردیده، این‌بار سرم به‌جای سوت و بوق، شیپور کشید. (پیشرفت سوم ساخت آسفالت). حال این طرح عمرانی را مقایسه کردم با احداث تونلی دو روزه در هلند! آقایان استاندار و شهردار: راستی دل‌تان را به کدام پیشرفت خوش کرده‌اید؟ مگر تونل مانش را افتتاح کرده‌اید یا بندر آزاد جبل علی و شانگهای و شاید هم بزرگ راه‌ها و پل‌های پکن؟! شاید هم شماها درست بگویید زیرا آن‌قدر در فقر و تنگناها قرار گرفته‌ایم که اکنون باید دل‌مان را خوش کنیم با افتتاح یک آسفالت محله. زیبایی بنر شهرداری زمانی به اوج خود می‌رسد که در زیر نویس آن مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بوشهر هم در آن پروژه نقش آفرین است!


صید میگو

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰

www.nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

ادامه کم توجهی به نیروهای استان بوشهر

بازهم از بوشهر کسی به وزارت نرسید

ابراهیم دانش



جناب دکتر پزشکیان، از استان بوشهر برایت می‌نویسم، بله استانی که با همه توانمندی‌ها؛ داشته‌هاو پتانسیل‌های مثبت؛ موثر و مفید، قریب نیم قرن از عمر انقلاب اسلامی که می‌گذرد در ادوار دولت‌ها و کابینه‌های گذشته و در بدنه حاکمیتی، نیرویی در سطح کلان نداشته و باید گفت تنها استانی در کشور بوده و هستیم که با توجه به فروانی نیروهای توانمند؛ تاکنون وزیری در کابینه ها نداشته ایم.

باید بگوییم با همه انتظار که از شما و همکارانتان در شورای راهبردی داشتیم و بی صبرانه اخبار از شورای راهبردی رصد می‌نمودیم، متأسفانه خبری از وجود یک نفر؛ بله حتی یک نفر از کابینه حضرتعالی که جهت رای اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی شده، وجود ندارد و این یعنی نادیده گرفته شدن استان بوشهر که به نوعی قطب انرژی کشور می باشد.

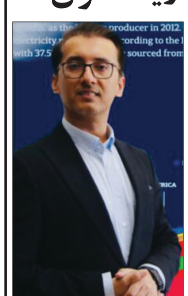
انتصاب یک بوشهری در سازمان برنامه بودجه کشور



با حکم معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور «رضا عوض پور» به عنوان رئیس امور آموزش، تحقیقات و فن‌آوری سازمان برنامه و بودجه کشور در دولت چهاردهم منصوب شد.

دکتر عوض پور سابقه ریاست سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر و رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور را در کارنامه دارد.

انتصاب جوان بوشهری به عنوان مدیر سرمایه‌های انسانی پلمیر آریاساسول



با حکم مدیرعامل شرکت پلمیر آریاساسول، محسن عمرانی به عنوان مدیر سرمایه‌های انسانی این شرکت منصوب گردید

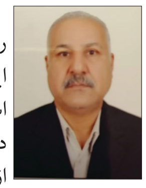
دکتر محمد رضا حیدرزاده در حکمی محسن عمرانی از جوانان و نخبگان مدیریت استان بوشهر را به عنوان سرپرست مدیریت سرمایه‌های انسانی منصوب کرد.

عمرانی دارای تحصیلات اقتصاد انرژی در مقطع دکترا و مدیریت اجرایی منابع انسانی دانشگاه تهران می باشد که پیش از این به عنوان مدیر واحد روابط کار و مددکاری اجتماعی در شرکت پلیمر آریاساسول مشغول به کار بوده است.

سخنی با شاهینی‌های اصیل

طارمی می‌خواهد دِین خود را به فوتبال بوشهر ادا کند

علی ابن رومی



قوام وارد کاخ سبز شد چهره رضاشاه را غیر عادی دید، از ایشان پرسید در شهر پر شده که استعفا داده‌اید قربان، آیا صحت دارد؟ رضا شاه گفت منشاء خبر از کجاست؟ قوام گفت: زنان تکیه دولت. رضا شاه گفت: اگر از آن‌جاست درست است.





و اما در خبرها دیدم و خواندم که مهدی طارمی خیزی برداشته شاهین را که نزدیک به یک قرن بر فراز اَبرها و در آسمان‌ها پرواز می‌کرد و تنها لانه‌اش قلب عاشقانش بود و اکنون ده سال است در قفسی که شایسته‌اش نبوده و نیست، به پرواز درآورد. بنده میدانم که مورد انتقاد بعضی از شاهینی‌ها قرار میگیرم ولی ایراد ندارد.

در یکی از گروه ها خواندم دوستی می‌گفت ایشان ایرانجوانی است، دیگری می‌گفت چشم طمع به اموال باشگاه دارد، یکی تایید می‌کرد و یکی تکذیب. القصه عزیزان ایشان هر شجره ورزشی که داشته باشد فعلا یک فوتبالیست فوق حرفه‌ای و در فوتبال یک فوق ستاره جهانیست.

او افتخار ایران و اعتبار فوتبال بوشهر است، ایشان شخصیت استانی خود را در باشگاه ایرانجوان به‌دست آورده و سکوی پرتابش شاهین بوده که با تلاش شبانه‌روزی خودش و صرف فعل خواستن که نشان از لیاقت، شایستگی، علاقه، جدّیت و دیگر فاکتورهای اخلاقی و انسانی، توانست خود را به فوتبال ایران وجهان تحمیل کند. دوستان عزیز چنین فردی با این سرمایه و اعتبار جهانی و این قراردادهای نجومی، آیا می‌شود کوچه بازاری قضاوتش کرد؟ و آیا نیاز به مال و اموال باشگاه شاهین دارد؟

اگر خبر شنیده شده صحت داشته باشد، نشان از وجدان بیدار ایشان دارد که همواره خود را مدیون زمین‌های شوره‌زار این شهر و جاده دو طرفه عشق مردم به او، و او به مردم دارد که با این حرکت و حمایت چنان‌چه صحت داشته باشد، دِین خود به فوتبال این شهر ادا کند. دوستان عزیز گوش به خُفاشان شب‌پرستی که مرد روزهای سخت شاهین نبودند ندهید، و همیشه نیمه پر لیوان را ببیند. در فوتبال به‌عنوان یک صنعت حرفه‌ای جای این حرف‌ها نیست. نیک می‌دانید و می‌دانیم چه افرادی ساز مخالف می‌زنند و بهانه‌های بنی‌اسرائیلی می‌گیرند.

در صورت صحت خبر، بنده پیشنهاد می‌کنم نه تنها طارمی، انتظار می‌رود محمد محبی، مهدی قائدی و حسین ماهینی نیز به این تصمیم ورود کنند و دِین خود را به عاشقانشان ادا کنند.

ضمناً فراموش نکنید که این سرمایه‌های ملّی، قبل از اینکه ایرانی باشند یک بوشهری اصیل هستند.

آن روز جاودان

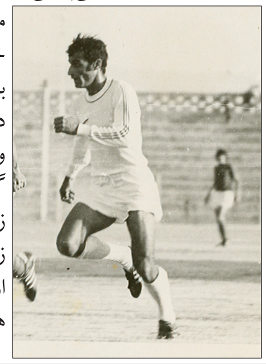
یادگاری از گل طلایی رضا ماهینی



ولید صفری : دیروز بود که تیم پرآوازه برق شیراز، به دعوت اداره برق استان بوشهر، برای یک بازی دوستانه راهی بوشهر شد. تیمی با سابقه و محبوبیت چشمگیر، به رهبری کاپیتان نام‌آور غلامحسین پیروانی، که حضورش موجی از هواداران مشتاق را به ورزشگاه شهید بهشتی کشاند.

در آن زمان، من ۱۷ سال بیش نداشتم و به پیشنهاد زنده‌یاد مجید چاهیخش و استاد احمد رزمی، افتخار پوشیدن پیراهن تیم برق بوشهر را یافتم. تیمی که با ترکیبی از بهترین بازیکنان آن دوران، آماده رویارویی با حریفی سرسخت بود.

بازی با شور و هیجان بی‌پایانی آغاز شد و هر لحظه‌اش پر از خاطره. در میان این همه شور و هیجان، رضا ماهینی، آن قهرمان همیشه جاودان، با حرکات سریع و شوت‌های سهمگین خود، بارها قلب تماشاگران را به تپش انداخت. اما اوج هنرنمایی‌اش زمانی بود که با یک شوت غافلگیرانه و پرقدرت از فاصله بیست متری، قفل دروازه برق شیراز را شکست و ورزشگاه را به انفجاری از شادی و تحسین واداشت. بازی در نهایت با نتیجه تساوی یک بر یک به پایان رسید، اما این گل به یادماندنی، تا همیشه در ذهن ما حک شد.



زنده‌یاد رضا ماهینی، یکی از ستاره‌های درخشان فوتبال بوشهر، نه فقط در زمین بازی، بلکه در دل‌های ما نیز جاودانه ماند. امروز و همیشه، برای او از خداوند آرامش و رحمت بی‌پایان آرزو می‌کنم. یادش گرامی و نامش همواره در تاریخ فوتبال این مرز و بوم خواهد درخشید.

باشگاه ورزشی جم بوشهر، الگویی برای زنده شدن تیم‌های محلات

محمود قدسی



در عبور از محله بنمانع بندر بوشهر، تابلویی نظرم را جلب کرد؛ تابلو باشگاه ورزشی جم بنمانع، جالب بود که در این وانفسای نابودی اکثر تیم‌های خوب محلات مثل امید و دارایی و سکان و افسر و رهبر و حتی تیم مردمی و بزرگ شاهین بوشهر، تیم ریشه‌دار جم بنمانع به همت پیشکسوتان محله بنمانع هنوز نفس می‌کشد.

آری دفتر تیم جم بنمانع هنوز میعادگاه پیشکسوتان، جوانان و نوجوانان این محله است. به داخل دفتر رفتم و با آقای گنجی مدیرعامل باشگاه جم روبرو شدم، مردی از تبار پیشکسوتان فوتبال جم و فوتبال بوشهر، مردی متین و خوش اخلاق و خوش برخورد که از دیدنش بسیار خوشحال شدم. چند دقیقه‌ای در محضر ایشان بودم و گپ و گفتی با هم داشتیم. گنجی از سختی‌ها و مشکلات صحبت کرد و این که با همه سختی‌ها به همت بزرگان محل هنوز باشگاه جم بنمانع روی پای خود جون سرو ایستاده است و قصد سر فرود آوردن را ندارد. وی از تیم‌های بزرگسالان و امید و جوانان و نوجوانان



فوتبال گفت و این‌که در دسته اول شهرستان حضور فعال دارند، حتی از دیگر رشته‌های ورزشی مثل شطرنج که حضوری فعال در مسابقات دارد نیز صحبت کرد. دیوار دفتر پر بود از عکس‌های تیم فوتبال جم و بزرگ مردی که به همت والایش خون رگهای جم خشک نشده است (زنده یاد آقای سالمی) و دیگر پیشکسوتان مثل حسین صلح‌دوست، کرم‌زاده و دیگر دوستان. عکسی از زنده یاد حسین ایرانپور و یک عکس قدیمی که شاکله تیم جم را در مسابقات جام شکری تشکیل می‌داد هم در دیوار دیده می شد.

هم خوشحال بودم از این‌که تیم خوب و محبوب جم با همه سختی‌ها و ناملایمات سرخم نکرده است و ناراحت شدم که چرا در بین پیشکسوتان دیگر محلات، چنین همت و کوششی دیده نمی‌شود. درود می‌فرستم و به پیشکسوتان و جوانان و نوجوانان بنمانع خسته نباشید گفته و آرزوی تداوم تلاش و موفقیت در همه عرصه‌های زندگی و ورزشی برای آنان دارم. باشد که راه تلاشگران باشگاه ورزشی جم الگویی برای زنده شدن تیم‌های محلات و جاری شدن خونی تازه در فوتبال بوشهر و دیگر رشته های ورزشی باشد.